

اکبر کاراته و جورابش

داستان طنز نوجوانان

محسن صالحی حاجی آبادی

مؤسسه فرهنگی مطاف عشق

(وابسته به مؤسسه روایت سیره شهدا)

سرشناسه: صالحی حاجی آبادی، محسن، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور: اکبر کاراته و جورایش: داستان طنز نوجوانان / محسن صالحی حاجی آبادی؛
مرکز فرهنگی مطاف عشق (وابسته به مؤسسه روایت سیره شهدا).
مشخصات نشر: قم: مؤسسه روایت سیره شهدا، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص. مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۹۸-۰۳-۵

وضعیت فهرست نویسی: قیفا

عنوان دیگر: داستان طنز نوجوانان.

موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - داستان

شناسه افزوده: مؤسسه فرهنگی مطاف عشق

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۷۳ الف ۷۸۷۳۲ الف / PIR۸۱۳۱ رده بندی دیویی: ۸۲۳/۸۴ ج

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۰۵۰۱۸

مؤسسه فرهنگی مطاف عشق

(وابسته به مؤسسه روایت سیره شهدا)

عنوان: اکبر کاراته و جورایش

نویسنده: محسن صالحی حاجی آبادی

ناشر: مؤسسه روایت سیره شهدا

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۹۸-۰۳-۵

حق هر گونه چاپ و بهره برداری برای «مؤسسه فرهنگی مطاف عشق» محفوظ می‌باشد.

آدرس: قم، خیابان سمیه، کوچه ۳۳، پلاک ۱۳

۰۶۴۱۱ ۷۵۰ ۹۱۲ / ۷۳ ۹۳ ۸۳ ۳۷ - ۰۲۵ / پیامک: ۳۰۰۰۳۲۹۶

www.mataf.ir

پست الکترونیک نویسنده: mohsen.salehi.ha@gmail.com

همراه نویسنده: ۰۹۱۲۷۵۱۳۱۲۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶	مقدمه
۷	حالا این علیرضا کی بود؟
۱۷	اکبر کاراته و جورایش
۲۹	از ایناش ندیده بودیم!
۳۹	سعید مُرده
۴۹	من که راضی نیستم
۶۱	عجب قصه‌ای شد
۷۱	شیرمرد مقرر
۸۱	اکبر کاراته رو آب برد
۹۱	عجب کیفی داد

مقدمه

وقتی که شما مثل غنچه‌های تازه شکفته پرپر می‌شدید، دل‌های ما هم پاره-پاره می‌شد، می‌مُردیم و زنده می‌شدیم. وقتی شما تکه‌تکه می‌شدید، جگرهای ما هم ریش‌ریش می‌شد. شما که آسمانی می‌شدید؛ چیزی نمانده بود که ما هم از غصه‌ی رفتن شما دق کنیم و بمیریم. وقتی شما روی بلدوزرها و لودرها در شعله شعله‌های آتش جامانده از گلوله‌های صدامیان بعثی می‌سوختید و کباب می‌شدید؛ ما هم ذره‌ذره می‌سوختیم و آب می‌شدیم، از فراق شما، از رفتن شما، از پرپر شدن شما. خداییش شما یک بار سوختید و پرپر شدید؛ اما ما سال‌هاست که از دوری شما سنگرزبان بی‌سنگر گمنام و مظلوم لحظه‌به‌لحظه و آن‌به‌آن می‌سوزیم و آب می‌شویم و دق می‌کنیم، اما باز دلشاد از آنیم که اندیشه‌های الهی و علوی شما پایدارتر و پربارتر از هر روز بر صفحه‌ی تاریخ انسانی مانده است.

ای شهیدان زیباوندیش و الهی، ای سرمستان غدیرخمی و عاشورایی، خون پاک شما ریخت تا امروز بیداری اسلامی طلوع کرده و جهان غرب و اسرائیل مغرور و متکبر را به زانو درآورده و به سوی خاموشی ذلت کشاند. آری ای نازنینان خدایی، شما رفتید و به پاس آن خون‌های پاک و حماسه‌های بی‌نظیر شما بر جهان بشریت درخشیدیم، و باز با آمدن سرور، آقا و مولایمان حضرت امام زمان(عجل الله) جهان بشریت پر از اندیشه‌ی غدیر خم خواهد شد. بهشت ابدی گوارایتان باد.

محسن صالحی حاجی آبادی